

Family Pathology, Counseling  
& Enrichment Journal  
2014, 1 (1), 32-45  
Received: 02 Nov 2014  
Accepted: 16 Mar 2015

دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره  
و غنی سازی خانواده  
۳۲-۴۵، ۱(۱)، ۱۳۹۳  
دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۱  
پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

بررسی بهزیستی روان شناختی و شادکامی زناشویی در طول چرخه های مختلف زندگی

## Investigation the Psychological Well-Being and Marital Happiness across the Life Course

Khaled Aslani  
Soraya Ebrahimi Pour  
Abbas Amanuelahi

خالد اصلانی\*  
ثریا ابراهیمی پور\*\*  
عباسی امان الهی\*\*\*

### Abstract

The purpose this study was to investigate the psychological well-being and marital happiness in family life cycles in married men and women in dezful city. The sample study was 251 married people that selected from four life cycles in family life: young couple, family with young children, family whit adolescent and families at midlife (launching children and moving). The participants were asked to complete Marital Happiness Scale (MHS) and Psychological Well-being Scale (PWBS). In order to analyze the data, used of two factor variance and tukey follow up test. The results showed that there are significant differences between in happiness, and there is significant difference between couple with young children and couple with adolescents. Also, among four life cycle groups, there are not significant differences in psychological well-being.

**Keyword:** psychological well-being, marital happiness, Life Course

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی بهزیستی روان شناختی و شادکامی زناشویی در چرخه های زندگی خانواده در زنان و مردان متأهل در شهرستان دزفول بود. نمونه ی مورد مطالعه ۲۵۱ فرد متأهل که از چهار چرخه ی زندگی شامل زوج های جوان، خانواده های با فرزند خردسال، خانواده های دارای فرزند نوجوان و خانواده در میانه ی زندگی (جدا شدن فرزندان از خانواده) انتخاب شدند. از شرکت کنندگان خواسته شد پرسشنامه ی بهزیستی روان شناختی و شادکامی زناشویی را تکمیل کنند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل واریانس دو عاملی و آزمون پیگیری توکی استفاده شد. یافته ها نشان دادند که بین گروه های چهار مرحله ی زندگی در شادکامی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. نمرات زوج های دارای فرزند خردسال و زوج های با فرزند نوجوان دارای تفاوت معنی داری هستند. همچنین بین زنان و مردان متأهل از نظر بهزیستی روان شناختی در چهار چرخه ی زندگی تفاوت معناداری وجود نداشت.

**کلمات کلیدی:** بهزیستی روان شناختی، شادکامی زناشویی، چرخه زندگی

kh.aslani@scu.ac.ir

\*. استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

\*\* کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز

\*\*\* استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

### مقدمه

با این که زندگی خانوادگی فرایندی دایمی و تعاملی است و به هیچ وجه به صورت خطی جلوه نمی کند، لیکن وجود و هستی آن به صورت خطی در بعد زمان جریان داد. بهزیستی روان شناختی به معنای قابلیت یافتن تمام استعدادهای فرد است. بهزیستی روان شناختی در جنبه های مختلف زندگی افراد همچون پذیرش های اجتماعی، داشتن روابط با افراد، صمیمیت، احساس کارآمدی، برخورداری از جایگاه های اجتماع، سهم بسزایی دارد (کیز، ۲۰۰۲). احساس بهزیستی از چند جنبه اهمیت دارد. تأمین سلامت روانی، جسمانی و افزایش طول عمر، اثبات ارزش شادکامی برای انسان، اندازه گیری شاخص کیفیت زندگی در کنار شاخص های اقتصادی و اجتماعی. در واقع بهزیستی روانی بزرگترین آرزو و مهم ترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد (دینر، ساه، لاکاس و اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، بررسی فرایند بهزیستی روان شناختی در طول چرخه های زندگی زوجین بود. برخی تحقیقات نشان داده اند که بهزیستی خانواده در طول چرخه های زندگی به شکل U می باشد یعنی در مرحله ای که زوجین هنوز بچه دار نشده اند، بهزیستی بالایی را تجربه می کنند و در دو مرحله بعدی یعنی متاهلین دارای فرزند خردسال و متاهلین دارای فرزند نوجوان بهزیستی پایینی را تجربه می کنند و در نهایت متاهلین دارای بچه های ازدواج کرده بهزیستی بالایی را تجربه می کنند. بسیاری از محققان در تحقیقات خود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این نتیجه U شکل بودن منحنی بهزیستی روان شناختی و سن رسیدند (فافچمپس و شیلپی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ پاوداو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ سانفی و تکسوز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ اسنیک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ اوپال، ۲۰۰۶).

پژوهش های دیگری نشان می دهند که U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه های زندگی خانواده همواره صحیح نبوده و چهار نقطه در مورد شکل منحنی وجود داشته که به صورت: زوال، L شکل، به صورت قله ها و دره ها و افزایش مستمر می باشد. براساس پژوهشی که کارستنس، ایساکویز و تارک-چالز<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) انجام دادند، نتایج پژوهش نشان دهنده این می باشد که منحنی بهزیستی در طول

<sup>۱</sup>-iener, Suh, Lacas, & Smith

<sup>۲</sup> - Fafchamps, & Shilpi

<sup>۳</sup> - Powdthavee

<sup>۴</sup> - Sanfey, & Teksoz

<sup>۵</sup> - Senik

<sup>۶</sup>- Carstensen, Isaacowitz, & Turk-Charles

چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی فرهنگ‌ها متفاوت می‌باشد. براساس پژوهشی که چارلز، رینولد و گتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) انجام دادند، نتایج پژوهش نشان دهنده این می‌باشد که منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی فرهنگ‌ها متفاوت می‌باشد. در بررسی که فیشر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) انجام دادند نتایج پژوهش از U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی پشتیبانی نمی‌کند. در بررسی که وان لندگم<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) انجام داد، نتایج پژوهش با U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی مخالف بوده است. در بررسی که ایسترلین<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) در ایالت متحده بر روی U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی انجام داده است نتایج پژوهش با U شکل بودن این رابطه مخالف است. در بررسی که گلن (۲۰۰۹) در ایالت متحده بر U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی و سن انجام داده است نتایج پژوهش بر U شکل بودن این رابطه صحه نمی‌گذارد.

از طرفی شادکامی جنبه ای از عواطف انسانی است که دارای جنبه‌ها و تجلیات مختلف فردی-اجتماعی، روانی-جسمانی و شناختی-عاطفی می‌باشد. از آن‌جا که شادکامی تأثیر کمی و کیفی زیادی بر زندگی دارد، در فرآیند تحول و توسعه مورد تأکید و توجه قرار گرفته است (وینهون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳). مطالعه روابط زوج‌ها می‌تواند به تصحیح چهارچوب ساختاری روابط زوج‌ها کمک کند. مهم‌ترین اجزای کیفیت روابط زناشویی، شادکامی زناشویی است که نشان دهنده سطح شادکامی در ابعاد متنوع از روابط زناشویی است (دش، تیلور، کروگر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸). به طور ضمنی سطحی از شادکامی تعیین کننده از درگیری‌های سطح پایین و ویژگی‌های رفتاری (مانند سطح سازگاری) و ارتباطات (از قبیل، تمایل به ازدواج با شریک فعلی در مورد احتمال بازگشت به روز اول) است (کیرنس و لاند<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). شادکامی زناشویی یک ساختار موازی (اما مترادف نیست) با رضایت است، که شامل ابعاد نگرش و همچنین احساسات و عواطف مثبت است (ون لانینگام<sup>۸</sup>، جانسون و آماتو، ۲۰۰۱). بنابراین، شادکامی زناشویی نشان دهنده ابعاد ذهنی ذهنی کیفیت روابط زناشویی و به نحوی مشابه با معنای بهزیستی روان‌شناختی در روانشناسی مثبت‌نگر است (لوئیس و اسپنیر<sup>۹</sup>، ۱۹۷۹؛ پیمنتل<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰)، اما با تمرکز بیشتر بر جنبه‌های فردی در مقایسه جنبه

<sup>1</sup> - Reynolds, &Gatz,

<sup>2</sup> - Fischer

<sup>3</sup> - Van Landeghem

<sup>4</sup> - Easterlin

<sup>5</sup> -Veenhoven

<sup>6</sup> -Dush, Taylor, & Kroeger,

<sup>7</sup> - Kearns, & Leonard,

<sup>8</sup> - VanLaningham

<sup>9</sup> - Lewis, &Spanier,

<sup>10</sup> - Pimentel

های شخصیتی شادکامی یکی از مهم ترین پیش بینی کننده های سازگاری زناشویی در رویدادهای زندگی (عیسی نژاد، احمدی و اعتمادی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). کیمبل و ویلیز<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) عقیده دارند که شادکامی مانند مانند سلامتی یا سرگرمی یک ویژگی خوب با درجه بالا است. واندر، وینسیرز، اسچوارز، کاجنهوف، کلیر، بلنینگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) نشان دادند که رضایت از زندگی و شادکامی زناشویی در طول چرخه های زندگی به صورت منحنی U شکل می باشد. با این وجود پژوهش های زیادی وجود دارد که مخالف این ایده می باشد از جمله در بررسی که وان لندگم (۲۰۰۸) انجام داده است نتایج پژوهش با U شکل بودن رابطه بهزیستی روان شناختی و شادکامی در طول دوران زندگی مخالف بوده است. در بررسی که بنچلفورد و اولسولد (۲۰۰۴) بر روی ساختار شادکامی در طول چرخه های زندگی انجام دادند نتایج از U شکل بودن این منحنی پشتیبانی نمی کند. با توجه به مطالب فوق سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا شادکامی زناشویی و بهزیستی روان شناختی زوجین در طول چرخه های مختلف زندگی تغییر می کند؟

### روش

تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. از آن جا که این تحقیق در صد اندازه گیری و بررسی روابط و پیوندهای بین متغیرهای مورد مطالعه می باشد، بنابراین از روش همبستگی استفاده می شود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه زوج های چهار چرخه زندگی در شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۲ می باشد. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۲۴۰ زوج، از هر چهار چرخه زندگی تعداد ۶۰ زوج (۳۰ مرد، ۳۰ زن) انتخاب و پرسشنامه ها در میان آن ها توزیع شد.

### ابزار پژوهش

**پرسشنامه بهزیستی روان شناختی:** پرسشنامه بهزیستی روان شناختی شامل ۷۷ ماده است که برای سنجش بهزیستی روان شناختی می باشد. این ابزار توسط ریف و کیز (۱۹۹۵) تهیه شده است و برای اولین بار زنجانی طبسی (۱۳۸۳) آن را در ایران اجرا کردند. این پرسشنامه از ۶ خرده مقیاس و به صورت طرح لیکرت نمره گذاری می شود. بیانی، کوچکی و بیانی (۱۳۸۷) ضریب پایایی به روش بازآزمایی مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف را ۰/۸۲ و همبستگی مقیاس بهزیستی روان شناختی را با مقیاس های رضایت از زندگی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد و پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۵۹ و ۰/۴۶ گزارش

<sup>1</sup> - Isanezhad, Ahmadi, & Etemadi,

<sup>2</sup> - Kimball & Willis

<sup>3</sup> - Wunder, Wiencierz, Schwarze, Küchenhoff, Kleyer, & Bleninger

نمودند. زنجانی طبسی (۱۳۸۳) برای بررسی روایی محتوایی این پرسشنامه خرده مقیاس‌های آن را با هم همبسته نمود که ضرایب همبستگی به دست آمده بین خرده خرده مقیاس‌های آن، نشان دهنده روایی نسبتاً مطلوب این پرسشنامه می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهند که پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی از روایی محتوایی لازم برخوردار است.

**پرسشنامه شادکامی زناشویی:** مقیاس شادکامی زناشویی توسط آزرین، ناستر، و جونز در سال ۱۹۷۳ ساخته شده است. این ابزار دارای ده سؤال می‌باشد که میزان کلی شادکامی زناشویی را در نه حیطه متفاوت از روابط زن و شوهر با استفاده از شاخص‌های تک ماده‌ای می‌سنجد. برای بدست آوردن شاخص کلی شادکامی زناشویی می‌توان نمرات کل سوالات را جمع کرد. دامنه‌ی نمرات کل مقیاس بین ۱۰ تا ۱۰۰ است. پرسشنامه شادکامی زناشویی که توسط ثنایی (۱۳۷۹) ترجمه شد دارای ۱۰ آیتم است که عبارتند از: مسئولیت نسبت به خانواده، پرورش و تربیت فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی، پول، ارتباط کلامی (گفت و شنود) و غیر کلامی، روابط جنسی، پیشرفت تحصیلات، استقلال خود، استقلال همسر و خرسندی کامل. در مطالعه‌ی حاضر ضریب آلفای بدست آمده برای پرسشنامه ۰/۷۹ می‌باشد و برای بررسی روایی این پرسش نامه، از پرسش نامه‌ی شاخص رضایت زناشویی انریچ استفاده شد و همبستگی این دو آزمون را با استفاده از یک نمونه‌ی ۱۰۰ نفری ۰/۷۴ به دست آمد.

### یافته‌ها

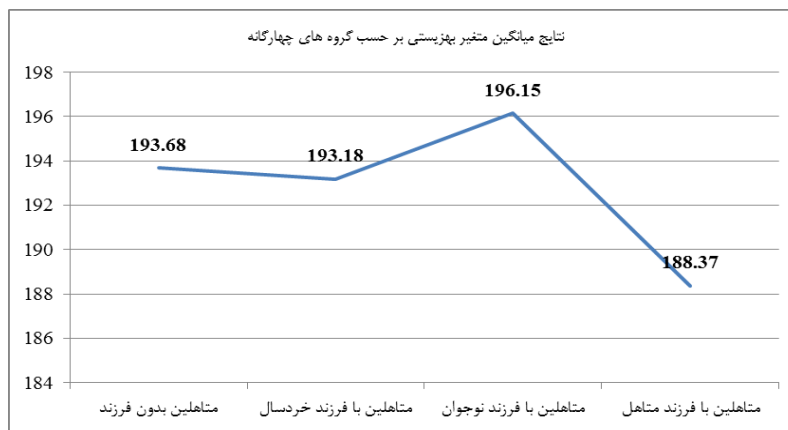
در این بخش یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زنان و مردان متأهل چهار گروه در متغیرهای شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی ذکر شده است.

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای شادکامی و بهزیستی در زنان و مردان گروه‌های چهار گانه

گروه	شاخص	شادکامی		بهزیستی	
		مردان	زنان	مردان	زنان
متأهلین بدون فرزند (۷۷ نفر)	میانگین	۷۱/۱۵	۷۳/۷۷	۱۹۷/۱۵	۱۹۰/۹۳
	انحراف استاندارد	۱۵/۰۶	۱۴/۸۱	۲۷/۴۶	۱۹/۸۴
متأهلین دارای فرزند خردسال (۵۷ نفر)	میانگین	۸۰/۷۹	۷۵/۳۹	۱۹۱/۲۱	۱۹۵/۲۱
	انحراف استاندارد	۱۱/۹۲	۱۳/۷۲	۱۹/۳۴	۱۲/۹۲
متأهلین دارای فرزند نوجوان (۶۰ نفر)	میانگین	۷۲/۲۱	۶۸/۵۳	۱۹۸/۲۵	۱۹۴/۳۱
	انحراف استاندارد	۱۴/۲۳	۱۵/۱۴	۲۳/۹۰	۲۱/۲۶
متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده (۵۷ نفر)	میانگین	۷۴/۷۱	۷۴/۱۵	۱۸۵/۰۳	۱۹۲/۳۵
	انحراف استاندارد	۱۱/۰۳	۹/۸۸	۲۷/۳۲	۲۱/۳۹

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای شادکامی و بهزیستی زنان و مردان گروه های چهارگانه را نشان می دهد. در ابتدا با استفاده از میانگین های بهزیستی زنان و مردان در گروه های چهارگانه نمودارهایی رسم گردید سپس به منظور بررسی سؤال تحلیل واریانس دو عاملی انجام گرفت و برای مشخص کردن دقیق تفاوتها آزمون پیگیری توکی به کار برده شد.



نمودار ۱ نتایج میانگین متغیرهای بهزیستی مردان و زنان در گروه های چهارگانه

نمودار ۱ رابطه بین بهزیستی و چرخه های زندگی زنان و مردان را نشان می دهد. با توجه به اینکه در این پژوهش متأهلین گروه های چهارگانه از دو جنس زن و مرد بودند، برای تحلیل های مربوط به تفاوت های بین متأهلین مرد و زن گروه های چهارگانه در متغیر وابسته، یک تحلیل واریانس دو عاملی انجام شد. جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس عاملی برای مقایسه میانگین بهزیستی مردان و زنان، گروه های چهارگانه، تعامل جنسیت و گروه های چهارگانه را نشان می دهد.

## جدول ۲

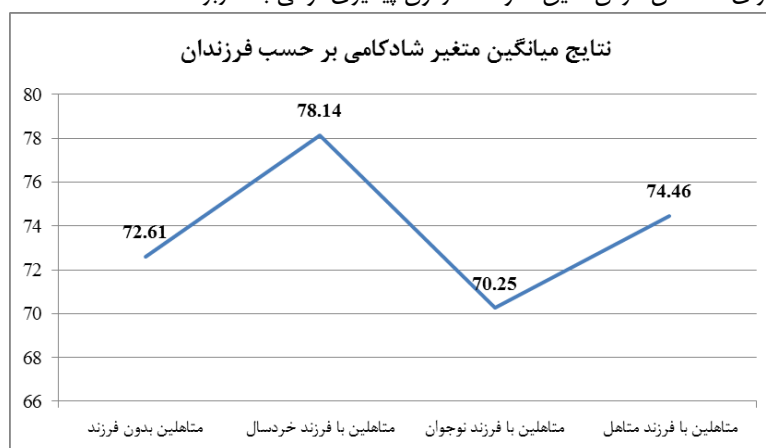
نتایج تحلیل واریانس عاملی برای مقایسه میانگین بهزیستی مردان و زنان، گروه های چهارگانه،

### تعامل جنسیت و گروه های چهارگانه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
گروه	۱۷۷۱/۲	۳	۵۹۰/۴	۱/۱۹	۰/۳۱۱
جنسیت	۵/۲۲	۱	۵/۲۲	۰/۱۱	۰/۹۱
گروه × جنسیت	۱۹۴۶/۲	۳	۶۴۸/۷	۱/۳۱	۰/۲۷

براساس جدول ۲ در گروه‌ها، سطوح معنی‌داری بیانگر آن است که بین گروه‌های چهارگانه، از لحاظ متغیر وابسته (بهزیستی) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ( $p=0/311$ ) و همچنین که F مشاهده شده جنسیت، معنی‌دار نمی‌باشد ( $p=0/91$ ). این یافته گویای آن است که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ متغیر بهزیستی روان شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، مردان و زنان متأهل از بهزیستی روان شناختی تقریباً یکسانی برخوردارند. همچنین، تعامل بین گروه‌ها (گروه‌های چهارگانه) و جنسیت (مرد و زن)، نیز معنی‌دار نیست، که نشان می‌دهد بین گروه‌های حاصل از ترکیب سطوح مختلف جنسیت و گروه‌های متأهلین چهارگانه از لحاظ بهزیستی روان شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ( $p=0/27$ ).

همچنین در مورد شادکامی زناشویی، در ابتدا با استفاده از میانگین‌های شادکامی زنان و مردان در گروه‌های چهارگانه نموداری رسم گردید سپس به منظور بررسی سؤال‌ها تحلیل واریانس دو عاملی انجام گرفت و برای مشخص کردن دقیق تفاوت‌ها آزمون پیگیری توکی به کار برده شد.



نمودار ۲ نمودار میانگین شادکامی مردان و زنان در گروه‌های چهارگانه

نمودار ۲ رابطه بین شادکامی زناشویی و چرخه‌ی زندگی زنان و مردان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه در این پژوهش متأهلین گروه‌های چهارگانه از دو جنس زن و مرد بودند، برای تحلیل‌های مربوط به تفاوت‌های بین متأهلین مرد و زن گروه‌های چهارگانه در متغیر وابسته، یک تحلیل واریانس دو عاملی انجام شد. جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس عاملی برای مقایسه میانگین شادکامی زناشویی مردان و زنان، گروه‌های چهارگانه، تعامل جنسیت و گروه‌های چهارگانه را نشان می‌دهد.

جدول ۳

نتایج تحلیل واریانس دو عاملی برای مقایسه میانگین شادکامی مردان و زنان، گروه‌های چهارگانه و تعامل جنسیت و گروه‌های چهارگانه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
گروه	۱۹۰۸/۵	۳	۶۳۶/۱۷	۳/۴۸	۰/۰۱۷
جنسیت	۱۸۹/۰۷	۱	۱۸۹/۰۷	۱/۰۳	۰/۳۱
گروه × جنسیت	۶۲۲/۶	۳	۲۰۷/۵۴	۱/۱۳	۰/۳۳

همان‌طور که در جدول ۳ ارائه شده است، در گروه‌ها، مقدار  $F$  برابر  $۳/۴۸$  می‌باشد که این مقدار معنادار می‌باشد ( $p=۰/۰۱۷$ ) و نشان می‌دهد که بین گروه‌های چهارگانه، از لحاظ متغیر وابسته (شادکامی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای بررسی معنی دار بودن گروه‌های دوتایی از آزمون پیگیری توکی استفاده گردید. همچنین  $F$  مشاهده شده جنسیت، معنی‌دار نمی‌باشد ( $p=۰/۳۱$ ). این یافته گویای آن است که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ متغیر شادکامی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، مردان و زنان متأهل از شادکامی تقریباً یکسانی برخوردارند. همچنین، تعامل بین گروه‌ها (گروه‌های چهارگانه) و جنسیت (مرد و زن)، نیز معنی‌دار نیست، که نشان می‌دهد بین گروه‌های حاصل از ترکیب سطوح مختلف جنسیت و گروه‌های چهارگانه از لحاظ شادکامی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ( $p=۰/۳۳$ ).

جدول ۴

نتایج آزمون پیگیری توکی مربوط به تفاوت میانگین نمره‌های مؤلفه شادکامی زناشویی در گروه‌های چهارگانه

گروه	متأهلین بدون فرزند	متأهلین دارای فرزند خردسال	متأهلین دارای فرزند نوجوان	متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده
متأهلین بدون فرزند	-	-	-	-
متأهلین دارای فرزند خردسال	۵/۵۳	-	-	-
متأهلین دارای فرزند نوجوان	۲/۳۶	۷/۸۹*	-	-
متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده	۱/۸۴	۳/۶۸	۴/۲۰	-



همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود: مقایسه میانگین نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری توکی نشان می‌دهد که هم در مردان و هم در زنان به ترتیب گروه‌های متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان، نمره بیشتری در شادکامی کسب کرده‌اند. همچنین با توجه به سطوح معنی‌داری مشخص شده ( $p < 0/01$ ) بین گروه‌های متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان تفاوت معنی‌داری وجود دارد اما بین سایر گروه‌های دوتایی رابطه معنادار وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی بهزیستی روان شناختی و شادکامی زناشویی در طول چرخه‌های مختلف زندگی بود. یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس عاملی نشان داد که بین گروه‌های چهارگانه از نظر شادکامی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. مقایسه میانگین نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری توکی نشان می‌دهد که هم در مردان و هم در زنان به ترتیب گروه‌های متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان، نمره بیشتری در شادکامی کسب کرده‌اند. اما بین سایر گروه‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش کارستنس، ایساکویز و تارک-چالز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، چارلز، رینولد و گتز<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، فیشر<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، وان لندگم<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، ایسترلین<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، و گلن (۲۰۰۹) همخوانی دارد. اگرچه نتایج بعضی تحقیقات U شکل بودن منحنی شادکامی در طول چرخه‌های زندگی خانواده را نشان می‌دهد اما تحقیقات زیادی وجود دارند که شکل‌های دیگری را نشان می‌دهند که به صورت: زوال، L شکل، به صورت قله‌ها و دره‌ها و افزایش مستمر می‌باشد. و نتایج پژوهش حاضر نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که با تولد فرزند، خانواده به صورت پایدار در می‌آید اگر زوجین بدون فرزند از یک دیگر جدا شوند خانواده منحل می‌شود. اما اگر والدین دارای فرزند از یکدیگر جدا شوند هم‌چنان والد فرزند خود باقی می‌مانند. و به علت این که زوجین مسئولیت پذیری بیشتری را احساس می‌کنند و می‌پذیرند که از نسل بعد مراقبت کنند. به نظر می‌رسد مجموع این کارها باعث ایجاد هدف در زندگی زوجین شده و ارتباطات خانواده گسترش می‌یابد. و انجام این وظایف و مسئولیت‌های جدید باعث می‌شود زوجین احساس بهتری در مورد خود داشته باشند و به تبع آن احساس رضایت از زندگی و شادکامی به دلیل حضور عضو جدید خانواده افزایش می‌یابد. و در دروره‌ی نوجوانی نیز خانواده مرزهای جدیدی را ایجاد می‌کند و امکان برخی تصمیم‌گیری‌ها را برای

<sup>1</sup> - Carstensen, Isaacowitz, & Turk-Charles

<sup>2</sup> - Reynolds, & Gatz,

<sup>3</sup> - Fischer

<sup>4</sup> - Van Landeghem

<sup>5</sup> - Easterlin

نوجوان فراهم می‌کنند و این باعث فراغت بال زوجین برای رسیدن به امور شخصی خود می‌شود. آن‌ها در این مرحله به مرور وضعیت شخصی، شغلی، و رضایت زناشویی خود می‌پردازند. و باعث افزایش رضایت و شادکامی زوجین می‌شوند. از طرفی شیوه‌ی ارتباطات زوجین با فرزندشان تغییر می‌کنند و ارتباطات آن‌ها به شکل دو بزرگسال می‌شود و نشاط و سرزندگی نوجوان در خانواده تأثیر می‌گذارد و شادی را در خانواده افزایش می‌دهد. طبق نتایج حاصل از این پژوهش فرضیه‌ی یک تأیید می‌شود.

همان‌طور که یافته‌ها نشان داد که بین گروه‌های چهارگانه، از لحاظ بهزیستی روانشناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین F مشاهده شده جنسیت هم معنی‌دار نمی‌باشد. این یافته‌گویی آن است که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ متغیر بهزیستی روان شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، مردان و زنان متأهل از بهزیستی روان شناختی تقریباً یکسانی برخوردارند. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پنهون (۱۹۹۳)، داش، تیلور، کروگر (۲۰۰۸)، کیرنس و لاندز (۲۰۰۴)، لوئیس و اسپنیر (۱۹۷۹)، پیمنتل (۲۰۰۰)، بنچلفورد و اولسولد (۲۰۰۴)، کیمیل و ویلیز (۲۰۰۶)، واندر، وینسیرز، اسپوارز، کاجنهوف، کلیر، بلنینگ (۲۰۰۹)، وان لندگم (۲۰۰۸)، و (عیسی نژاد، احمدی و اعتمادی، ۲۰۰۸) همخوانی دارد. بهزیستی روان شناختی به معنای قابلیت یافتن تمام استعدادهای فرد است. بهزیستی روان شناختی در جنبه‌های مختلف زندگی افراد همچون پذیرش‌های اجتماعی، داشتن روابط با افراد، صمیمیت، احساس کارآمدی، برخورداری از جایگاه‌های اجتماع، به خصوص در دوران جوانی سهم بسزایی دارد. در واقع بهزیستی روانی یا رضایت از زندگی بزرگ‌ترین آرزو و مهم‌ترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دینر، ساه، لاکاس و اسمیت، ۲۰۰۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت که شاید عوامل فرهنگی و محیطی در بهزیستی روان شناختی افراد بیش‌تر از دوره‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد که بهزیستی روان شناختی در طی چرخه‌های زندگی تغییر چندانی نمی‌کند. عدم تأثیرپذیری این متغیر به عوامل زیادی بستگی دارد که پژوهش حاضر آن‌ها را مورد بررسی قرار نداده است. در هر صورت نتایج ما نشان می‌دهند که بهزیستی روان شناختی بین دوره‌های مختلف زندگی از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. در بررسی که فورت (۱۹۹۳) انجام داده است نتایج پژوهش نشان دهند این بوده که U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی خانواده همواره صحیح نبوده و چهار نقطه در مورد شکل منحنی وجود داشته که به صورت: زوال، L شکل، به صورت قله‌ها و دره‌ها و افزایش مستمر می‌باشد. براساس پژوهشی که کارستنس، ایساکوویز و تارک-چالز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) انجام دادند، نتایج تحقیق نشان دهنده این می‌باشد که منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی ملت‌ها متفاوت می‌باشد.

<sup>۱</sup> - Carstensen, Isaacowitz, & Turk-Charles

براساس پژوهشی که چارلز، رینولد و گتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) انجام دادند، نتایج تحقیق نشان دهنده این می‌باشد که منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی ملت‌ها متفاوت می‌باشد. در بررسی که فیشر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) انجام دادند نتایج پژوهش از U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه-های زندگی پشتیبانی نمی‌کند. در بررسی که وان لندگم<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) انجام داد، نتایج پژوهش با U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی مخالف بوده است. در بررسی که استرلین<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) در ایالت متحده بر روی U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی انجام داده است نتایج پژوهش با U شکل بودن این رابطه مخالف است. در بررسی که گلن (۲۰۰۹) در ایالت متحده بر U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی و سن انجام داده است نتایج پژوهش بر U شکل بودن این رابطه صحه نمی‌گذارد. نتیجه این پژوهش از لحاظ عملی می‌تواند بسیار پرکاربرد باشد، چرا که تصور U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی زناشویی می‌تواند درمانگران و مشاوران خانواده را در کارهای بالینی و کلینیکی به اشتباه محاسباتی باندازد. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیانگر آن است که با توجه به مشکلات فرا روی خانواده‌ها در هر مرحله، بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی زناشویی افراد تحت تاثیر متغیرهای خاص در هر مرحله قرار می‌گیرد و لزوماً نمی‌توان به صورت ساده انگارانه ای فرض کرد که در مرحله اول و چهارم بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی زناشویی بالا و در مراحل دوم و سوم این متغیرها پایین هستند. به درمان‌گران و مشاوران خانواده توصیه می‌شود در برنامه‌های آموزشی پیشگیری و درمانی خود به نتایج این پژوهش توجه داشته باشند.

---

<sup>1</sup> - Reynolds, &Gatz,

<sup>2</sup> - Fischer

<sup>3</sup> - Van Landeghem

<sup>4</sup> - Easterlin

## منابع

- بیانی، علی اصغر؛ کوچکی، عاشور محمد و بیانی، علی (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان، ۱، ۱۴۶-۱۵۱.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقایسه های سنجش خانواده و ازدواج، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت.
- زنجانی طبسی، رضا (۱۳۸۳). ساخت و هنجاریابی مقدماتی آزمون بهزیستی روان شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی. دانشگاه تهران.

- Blanchflower, D. G., & Oswald, A. J. (2004). Well-being over time in Britain and the USA. *Journal of public economics*, 88(7), 1359-1386.
- Carstensen, Laura L, Isaacowitz, Derek M, & Charles, Susan T. (1999). Taking time seriously: A theory of socioemotional selectivity. *American Psychologist*, 54(3), 165.
- Charles, Susan Turk, Reynolds, Chandra A, & Gatz, Margaret. (2001). Age-related differences and change in positive and negative affect over 23 years. *Journal of personality and social psychology*, 80(1), 136.
- Diener, Ed, Suh, Eunkook M, Lucas, Richard E, & Smith, Heidi L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological bulletin*, 125(2), 276.
- Dush, C., M., K., Taylor M., G. & Kroeger, R., A. (2008). Marital happiness and psychological well-being across the life course. *Family Relations*, 57(2): 211-226.
- Easterlin, Richard A. (2006). Life cycle happiness and its sources: Intersections of psychology, economics, and demography. *Journal of Economic Psychology*, 27(4), 463-482.
- Fafchamps, Marcel, & Shilpi, Forhad. (2008). Subjective welfare, isolation, and relative consumption. *Journal of Development Economics*, 86(1), 43-60.

- Fischer, J. A. V. (2009). Happiness and Age Cycles – Return to Start...?: On the functional relationship between Subjective Well-being and Age, OECD Social, Employment and Migration Working Papers 99, OECD, Directorate for Employment, Labour and Social Affairs.
- Glenn, Norval. (2009). Is the apparent U-shape of well-being over the life course a result of inappropriate use of control variables? A commentary on Blanchflower and Oswald (66: 8, 2008, 1733–1749). *Social Science & Medicine*, 69(4), 481-485.
- Isanezhad, O., Ahmadi, S. A., & Etemadi, O. (2008). Subjective well-being and marital quality. *Handbook of third national conference of Iranian family pathology*: 250-253.
- Kearns, J. N., & Leonard, K. E., (2004). Social networks, structural interdependence, and marital quality over the transition to marriage: A prospective analysis. *Journal of Family Psychology*, (18): 383-395.
- Keyes, Corey L., M. (2002). The mental health continuum: From languishing to flourishing in life. *Journal of health and social behavior*, 207-222.
- Kimball, Miles, & Willis, Robert. (2006). *Utility and happiness*. University of Michigan.
- Lewis, R. A., & Spanier, G. B. (1979). Theorizing about the quality and stability of marriage. 268-294 in W. R. Burr, R. Hill, F. I. Nye, and I. L. Reiss (Eds.), *Contemporary Theories About the Family* (1). New York: The Free Press.
- Pimentel, E. F., (2000). Just how do i love thee? Marital relations in urban China. *Journal of Marriage and the Family* 62, 32–47.
- Powdthavee, Nattavudh. (2003). Is the structure of happiness equations the same in poor and rich countries? The case of South Africa.
- Ryff, C. D., Keyes, C. L. M. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, (69), 719-727.

- Sanfey, Peter, & Teksoz, Utku. (2007). Does transition make you happy? 1. *Economics of Transition*, 15(4), 707-731.
- Senik, Claudia. (2004). When information dominates comparison: Learning from Russian subjective panel data. *Journal of Public Economics*, 88(9), 2099-2123.
- Uppal, Sharanjit. (2006). Impact of the timing, type and severity of disability on the subjective well-being of individuals with disabilities. *Social science & medicine*, 63(2), 525-539.
- Van Landeghem, Bert, G., M. (2008). Human well-being over the life cycle: Longitudinal evidence from a 20-year panel: LICOS Discussion Paper.
- VanLaningham, J., Johnson D. R., & Amato, P. R. (2001). Marital happiness, marital duration, and the U shaped curve: Evidence from a five-wave panel study. *Social Forces*, (79): 1313-1341.
- Veenhoven, R. (1984). *Conditions of happiness*. Dordrecht: D. Reidel Publishing Company.
- Wunder, C., Wiencierz, A., Schwarze, J., Küchenhoff, H., & Kleyer, S. (2009). Well-being over the life span: semiparametric evidence from British and German longitudinal data, IZA discussion papers, No4155, urn:nbn:de:(101):1-20090513533.